

مجلس یازدهم: صبر و استقامت

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (*) وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ (*) وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (*) الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (*) أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾^۱

(به یاد حضرت زینب کبری علیها السلام)

صبر در قرآن

صبر یکی از واژه‌های کلیدی قرآن است که بارها به صورت‌های مختلف در آن به کار رفته است. این واژه بر یکی از اصول مهم اخلاقی و صفات برجسته و ضروری انسانی دلالت دارد و زمینه‌ساز آراستگی آدمی به فضیلت‌های بسیار می‌شود. منظور از صبر، استقامت در برابر مشکلات و حوادث گوناگون است و نقطه مقابل آن، جزع، بی‌تابی، از دست دادن مقاومت و تسلیم شدن در برابر مشکلات و سختی‌هاست. قرآن می‌گوید: برخی آن‌چنان بی‌تاب و کم تحمل‌اند که به اعتراض می‌پردازند. در اشاره به این افراد می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا﴾^۲

اگر انسان صبور نباشد، با روبه‌رو شدن به مشکلی دچار یاس و در نتیجه، گرفتار شکست می‌شود. پس برای مقابله با فشارهای درونی و بیرونی و غلبه بر مشکلات و رسیدن به هدف، پایداری و استقامت لازم است. بدون صبر نمی‌توان در هیچ کاری به نتیجه مطلوب رسید و برای از پا درنیامدن در برابر مصیبت‌های وارد شده و دشواری‌ها، باید صبور بود، به ویژه انسان در مقابل سختی‌هایی که در راه خدای متعال به او می‌رسد، نباید جزع و فزع کند و زبان به گلابه گشاید.

۱. سوره بقره، آیات ۱۵۳ - ۱۵۷.

۲. سوره معارج، آیات ۱۹ - ۲۰.

انسان در هر روز و شب، با مشکلات و دشواری‌ها و آزارهای بسیاری مواجه است، در همه‌جا عوامل مصائب و رنج‌ها به صورت‌های گوناگون دیده می‌شود و گاهی این مشکلات، نتیجه بلاهای آسمانی و زمینی مانند زلزله‌ها، طوفان‌ها، سیل‌ها، صاعقه‌ها است. به فرموده حضرت علی علیه السلام:

الدنيا دار بالبلای محفوفة^۱؛

دنیا خانه‌ای است که به رنج و بلا پیچیده شده است

هر فردی در فعالیت‌های خود باید در برابر سختی‌ها و مشکلات حوصله و تحمل بالایی داشته باشد، تا بتواند بر عجله و شتاب‌زدگی خود مسلط گردد و در برخورد با مسائل و مشکلات پیش رو، عاقلانه و مدبرانه عمل کند. اگر فعال فرهنگی یا سیاسی در مقابل یک پدیده اجتماعی با عجله و شتاب وارد عمل شود، دور اندیشی و عاقبت‌نگری لازم را نیز نخواهد داشت؛ چون هیجانات، احساسات روحی، دغدغه‌ها و حساسیت‌های درونی غلیان می‌کند و جلو فکر و اندیشه او را مسدود می‌سازد. از این رو، یکی از شرایط داشتن روح بزرگ، برخورداری از صبر و سعه صدر و قدرت تحمل مشکلات است. صبر همواره یکی از راه‌های نیل به اهداف بزرگ بوده و در آیات و روایات مختلف یادآوری شده است: ﴿وَإِنْ تَصَبِرُوا وَتَتَّقُوا

فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾^۲.

صبر بر سختی‌ها و پیشامدها در مسیر یک هدف الهی تضمین‌کننده تحقق اهداف متعالی است. از دیدگاه قرآن کریم استقامت و صبر در برابر مشکلات و امتحانات، انسان را کامل و مهیا و لایق مقام حکومت و زمامداری جامعه می‌نماید.^۳ از این رو، در آیات قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید بسیاری بر صبر شده است:

﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ﴾^۴.

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ﴾^۵.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۶.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۸۶.

۳. سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۴. سوره الحاقه، آیه ۴۸.

۵. سوره روم، آیه ۶۰.

﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾^۱

﴿وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۲

﴿الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾^۳

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۴

﴿وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۵

خداوند به صابران بشارت جنت و مغفرت داده است و آنان را با سلام الهی وارد بهشت می کند:

﴿وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿﴾ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾^۶

همچنین عامل ثبات قدم و استواری در راه رسیدن به پیروزی را صبر و سعه صدر معرفی می کند:

﴿رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾^۷

پروردگارا، صبری به ما ده و قدم‌هایمان را استوار ساز و بر گروه کافران پیروزمان کن.

صد هزاران کیمیا حق آفرید کیمیایی همچو صبر آدم ندید

امام خمینی علیه السلام نیز در مورد ضرورت صبر در اجتماع می نویسد:

نفس که دارای ثبات باشد، از ناملايمات روحی از حوصله بیرون نرود و در مقابل ناگوارها پا برجا بایستد و از طمأنینه و ثبات او کاسته نگردد و شاید آیه شریفه ﴿فاستقم كما امرت و من

۱. سوره معارج، آیه ۵.

۲. سوره انفال، آیه ۴۷.

۳. سوره هود، آیه ۱۱.

۴. سوره هود، آیه ۴۹.

۵. سوره هود، آیه ۱۱۵.

۶. سوره رعد، آیات ۲۲ - ۲۴.

۷. سوره بقره، آیه ۲۵۰.

تاب معک^۱ اشارت به این مقام نخست باشد و البته تحصیل چنین روحی در جامعه از مهمترین امور است و در عین حال از مشکل‌ترین کارها است و از این جهت در روایت است که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «سوره هود مرا پیر کرد برای این آیه»^۲. این آیه با آنکه در سوره شورا نیز هست، اختصاص [آن] به سوره هود، شاید برای ذیل آن باشد که می‌فرماید: (و من تاب معک). در سوره شوری این ذیل را ندارد و از این جهت که تحصیل استقامت در امت، امری است مشکل و سخت، آیه این سوره را ذکر فرمود.^۳

انواع صبر

صبر اقسام گوناگونی دارد که از آن جمله است:

۱. صبر در برابر مصیبت؛
۲. صبر در جهاد و جنگ؛
۳. صبر و استقامت در تحقق یک کار: حضرت موسی در مواجهه با فرعون درخواست شرح صدر می‌کند: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»^۴؛
۴. صبر و استقامت در عهد و پیمان؛
۵. صبر و استقامت در تبلیغ عملی: خداوند در قرآن خطاب به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: (فَلذَلِكَ فَادِعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ)؛
۶. صبر و استقامت برای رسیدن نعمت الهی: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۵.
۷. صبر و استقامت در حیات اجتماعی: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ

۱. سوره احقاف، آیه ۳۵.

۲. الدر المنثور، سیوطی، ج ۳، ص ۳۲۰ و ۳۲۱.

۳. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۵۹ و ۳۶۰.

۴. سوره طه، آیات ۲۵ - ۳۵.

۵. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ^۱؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، شکیبایی کنید و با اتکا به صبر و پایداری یکدیگر، بر مقاومت خویش بیفزایید و در امور دین و دنیا، با یکدیگر همبستگی داشته باشید و از عذاب خدا پروا کنید، باشد که نیکبخت شوید؛

۸. صبر در برابر گناه و لذات شهوانی؛

۹. صبر در راه اطاعت خدا و تحمل سختی‌ها.

صبر در نهضت عاشورا

در نهضت عاشورا نیز عنصر صبر و شکیبایی و استقامت، رکن اصلی رفتارهای جبهه حق بود و حضرت سیدالشهداء علیه السلام در مواقع گوناگون اصحاب و اهل بیت خود را به آن سفارش و وصیت می‌کرد، به خصوص با تأکید خواهران و زنان را بدان فرا می‌خواند. آن حضرت از آغاز بر صبر تکیه می‌کند که به مواردی از آن اشاره می‌شود: در وصیت‌نامه خود به محمد بن حنفیه می‌فرماید:

فمن قبلنی بقبول الحق فالله أولى بالحق و هو خیر الحاکمین و من ردّ علی هذا صبرت حتى یقضی الله بینی و بین القوم بالحق و هو خیر الحاکمین؛

هر کس راه را برگزیند، حق را پذیرفته و هر کس از من سرپیچی کند، صبر پیشه می‌کنم، تا خداوند میان من و چنین مردمانی، خود قضاوت کند و او بهترین قضاوت‌کنندگان است.

او در یکی از منزلگاه‌های میان راه نیز صبر بر مصائب را رمز همراهی با کاروان کربلا دانست و فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَى حَدِّ السَّيْفِ وَ طَعْنِ الْأَسِنَّةِ فَلَيْقُمْ مَعَنَا وَ إِلَّا فَلْيَنْصَرِفْ عَنَّا؛^۲

ای مردم، هر یک از شما که تحمل تیزی شمشیر و زخم و ضربت نیزه‌ها را دارد، همراه ما بماند، و الا باز گردد!

آن حضرت علیه السلام در ابتدای ورود به سرزمین کربلا فرمود: اینجا محل افتادن بارهای ما و مکان ریخته‌شدن خون‌های ماست. اینجا است آرامگاه ما. جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا از این واقعه آگاه ساخت.

۱. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰

۲. ینابیع المودة، ص ۴۰۶.

زینب علیها السلام این کلمات را از برادر خود شنید، عرضه داشت: این سخنان از آن کسی است که یقین به کشته‌شدن خویش دارد. امام حسین علیه السلام فرمود: بلی، چنین است، ای خواهر. من هم در قتل خود بر یقینم. او فریاد بر آورد که حسین علیه السلام دل از زندگانی برگرفته است و خبر مرگ خویشتن را به من می‌دهد. راوی گوید: یکباره همه زنان حرم به گریه افتادند و به صورت خود زدند و گریبان‌ها پاره نمودند. جناب ام کلثوم فریاد برآورد: «وَا مَحْمَدَاهُ، وَا عَلِيَّاهُ، وَا حَسَنَاهُ» که ای ابا عبدالله، ما بعد از تو به خواری و مذلت افتیم. آنان سخنانی این گونه می‌گفتند. راوی گوید: امام حسین علیه السلام خواهر خویش را دلداری می‌داد و می‌فرمود:

يَا اُخْتَاهُ تَعَزَّى بِعِزِّ اللَّهِ، فَإِنَّ سُكَّانَ السَّمَوَاتِ يَفْنُونَ، وَأَهْلَ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ يَمُوتُونَ،
وَجَمِيعِ الْبَرِيَّةِ يَهْلِكُونَ. ثُمَّ قَالَ: يَا اُخْتَاهُ يَا أُمَّ كَلْثُومَ، وَاِئْتِي يَا زَيْنَبُ، وَاَنْتِ يَا فَاطِمَةُ،
وَاِئْتِي يَا رَبَّابُ، أَنْظُرْنِي إِذَا آءَانَا قُتِلْتُ فَلَا تَشْقُقْنِي عَلَيَّ جَبِيئًا وَلَا تَحْمِشْنِي عَلَيَّ وَجْهًا وَلَا
تَقْلُنِي عَلَيَّ هَجْرًا!

ای خواهر، به آداب خدایی آراسته و پیراسته باش، بردباری را شعار خویش ساز. به درستی که ساکنان ملکوت اعلا فانی می‌گردند و اهل زمین همه می‌میرند و جمیع اهل زمین می‌میرند و همه مخلوقات جهان هستی در معرض هلاک خواهند بود. سپس فرمود: ای خواهرم ام کلثوم، و تو زینب و هم تو ای فاطمه و تو ای رباب! نظر نمایند که چون من کشته شوم، زنهار که گریبان پاره نکنید و صورت بر مرگ من مخراشید و سخن بیهوده نگویند.^۱

در شب عاشورا نیز امام حسین علیه السلام بر روی زمین بنشست و لحظه ای به خواب رفت، پس بیدار شد و به خواهر خود فرمود: ای خواهر، اینک در همین ساعت جد بزرگوار خود حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله پدر عالی‌مقدار خویش علی مرتضی، مادرم فاطمه و برادرم حسن علیه السلام را در خواب دیدم که فرمودند: ای حسین، عن‌قریب نزد ما خواهی بود. زینب خاتون پس از شنیدن این سخنان از آن امام انس و جان، سیلی به صورت خود نواخت و صیحه کشید و گریه نمود. امام حسین علیه السلام فرمود: «ای خواهر مهربان، آرام باش و ما را مورد شماتت دشمن مساز».^۲

۱. لهوف.

۲. همان.

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در خطبه‌ای به یاران خویش فرمود:

صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ
وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ

صبر و مقاومت کنید، ای بزرگ زادگان! چرا که مرگ تنها راهی است که شما را از سختی عبور می‌دهد و به سوی بهشت گسترده و نعمت‌های همیشگی می‌رساند.^۱

آن حضرت پس از شهادت قاسم نیز عموزادگان و اهل بیت خود را به صبر دعوت کرد:

صَبْرًا يَا بَنِي عُمُوْمَتِي ، صَبْرًا يَا أَهْلَ بَيْتِي صَبْرًا ، فَوَاللَّهِ لَا رَاءَ يُتَمُّ هَوَانًا بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ
أَبَدًا؛

ای پسر عموهایم و اهل خانهام، صبر کنید، که بعد از امروز هرگز ناراحتی نخواهید دید.^۲

سعد بن حنظله چنین رجز می‌خواند:

صَبْرًا عَلَى الْإِسْيَافِ وَالْإِسْنَةِ صَبْرًا عَلَيْهَا لِدُخُولِ الْجَنَّةِ^۳

در مورد مسلم بن عوسجه آمده است:

ثُمَّ خَرَجَ مُسْلِمٌ بْنُ عَوْسَجَةَ، فَبَالَغَ فِي قِتَالِ الْأَعْدَاءِ، وَصَبَرَ عَلَى أَهْوَالِ الْبَلَاءِ، حَتَّى سَقَطَ
إِلَى الْأَرْضِ وَبِهِ رَمَقٌ.^۴

جلوه‌های صبر زینب علیها السلام و آثار آن

حضرت زینب علیها السلام با حضور در نهضت کربلا، مسئولیت بزرگ پیام‌رسانی را بر عهده گرفت که اگر کسی پیام آن را به گوش مردم آن زمان نمی‌رساند، یزیدیان با امکانات تبلیغاتی گسترده‌ای که در اختیار داشتند، به راحتی می‌توانستند وقایع کربلا را در جهت منافع خود تحریف کنند و قضیه را به گونه‌ای به گوش مردم برسانند که برای حکومت یزید کمترین ضرر و زیان را در برداشته باشد. در این صورت، تا حد زیادی از تأثیر پیام امام حسین علیه السلام در جامعه آن زمان و جوامع آینده مسلمانان کاسته می‌شد و به طور قطع ما امروز شاهد

۱. نفس الهموم، ص ۱۳۵.

۲. مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۲۸.

۳. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۰۱.

۴. لهوف.

این همه آثار و برکات برای نهضت امام حسین علیه السلام نبودیم.

سرّی در نی‌نوا می‌ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود

به جهت مصیبت‌هایی که بر حضرت زینب علیه السلام وارد شد، وی را «ام المصائب» لقب داده‌اند. هر یک از این مصیبت‌ها کافی بود که انسانی را از پای درآورد، اما آنچه در این مسئولیت به حضرت زینب علیه السلام کمک کرد، صفت اخلاقی صبر و استقامت بود. زینب علیه السلام در تمام صحنه‌ها چون کوهی استوار مقاومت کرد تا رسالتی را که بر عهده گرفته، با شایستگی به سرانجام رساند. او در زمره بزرگ‌ترین صابران به شمار می‌رود و با بهره‌گیری از این فضیلت اخلاقی توانست در آزمون‌های الهی پیروز و موفق باشد. صبر در برابر مصیبت‌های وارد شده بر امام حسین علیه السلام و یارانش در روز عاشورا و پس از آن استقامت کردن در برابر ظلم و جور دشمن و تحمل اسارت و اتفاقاتی که در کوفه و شام رخ داد، ویژگی بارز این بانوی نمونه خاندان عصمت و طهارت است. از همین رو، زینب علیه السلام را شریک برادر در همه مصایب دانسته‌اند و از قول آن بانوی صابر گفته‌اند:

سأصبر حتى يعجز الصبر عن صبري؛^۱

تا آنجا صبر می‌کنم که خود صبر نیز از نوع صبر من عاجز بماند.

حضرت زینب علیه السلام، قهرمان صبر و استقامت، چنان صابر و شاکر و توانمند بود که در مجلس شاهانه ابن زیاد، با کمال قاطعیت گفت:

«ما رأيت إلاّ جميلاً»

جز زیبایی چیز دیگری ندیدم... ای پسر مرجانه به روز قیامت توجه کن و ببین در آنجا چه

کسی مغلوب است و چه کسی پیروز.^۲

سخنان زینب علیه السلام در آن مجلس، چنان شورانگیز و پرهیجان بود که ابن زیاد برای حفظ آرامش ظاهری، مجبور شد که دستور دهد آن حضرت و همراهانش را در کنار مسجد کوفه، در محوطه بسته‌ای زندانی کنند.^۳

۱. خصائص زینبیه، ص ۲۴۶.

۲. کامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۳۳.

۳. مقتل الحسین مفرم، ص ۴۶.

از بشیر بن خدییم/اسدی درباره خطبه زینب کبری علیها السلام در کوفه نقل شده است:

نظرت إلی زینب بنت علی .. کانهما تفرغ من لسان أمير المؤمنين؛^۱

در آن روز به زینب دختر علی علیها السلام نگریستم؛ زیرا هرگز زنی را سخن گوتر و زبان آورتر و ناطق تر از او ندیدم. گویا به زبان پدرش امیرمؤمنان سخن می گفت. همانا او با اشاره دست به مردم فرمود: ساکت شوید! ناگاه نفس‌ها در سینه حبس شد و زنگ‌های کاروان از حرکت ایستاد.

حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید

پس از واقعه عاشورا، زینب علیها السلام صبر فراوانی از خود نشان داد، اما در یک‌جا صبر او تمام شد، آنجا که سر حسین علیها السلام را وارد مجلس یزید کردند و یزید با چوب خیزران به دندان آن حضرت زد: «ثُمَّ دَعَا يَزِيدُ بِقَضِيبِ خِيزُرَانَ، فَجَعَلَ يَنْكُتُ بِهِ ثَنَائًا الْحُسَيْنِ علیها السلام».

در این هنگام ابو برزه اسلمی، خطاب به آن بدتر از ارمنی کرد و گفت: وای بر تو ای یزید! به چه جرئت چنین جسارتی می کنی و با چوب، به گوهر دندان حسین، فرزند فاطمه اطهر، می زنی؟ من گواهی می دهم که به چشم خود دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله دندهای ثناپای حسن و حسن را می بوسید و می فرمود: شما دو نفر سید و سرور جوانان اهل بهشت هستید. خدا کشندگان شما را بکشد و آنها را لعنت کند و جایگاه ایشان جهنم باد که بد جایگاهی است! اما یزید از این سخنان به خشم آمد و حکم داد که ابوبرزه را از مجلسش بیرون افکنند. در این هنگام او را کشان کشان بیرون کردند. یزید ملعون سرمستانه می خواند:

لَيْتَ اَشْيَاخِي بِيَدْرِ شَهْدُوا	جَزَعُ الْخَزْرَجِ مِنْ وَقَعِ الْاَسَلُ
فَاءَهُلُوا وَسَتَهُلُوا فَرَحًا	ثُمَّ قَالُوا: يَا يَزِيدُ لَا تُشَلُّ
قَدْ قَتَلْنَا الْقَوْمَ مِنْ سَادَاتِهِمْ	وَعَدَلْنَا بِبِيَدْرِ فَاَعْتَدَلْ
لَعِبَتْ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا	خَبْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلُ
لَسْتُ مِنْ خِنْدِفٍ اِنْ لَمْ اَعْتَقِمُ	مِنْ بَنِي اءَحْمَدَ مَا كَانَ فَعَلُ

آن گاه زینب علیها السلام دختر امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ، صَدَقَ اللَّهُ كَذَلِكَ يَقُولُ:
 ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ...؛

ای یزید، آیا چنین گمان بردی که چون اقطار زمین و آفاق آسمان را بر ما سخت تنگ گرفتی و راه چاره را به رویمان محکم بستی، به نحوی که سر انجام آن به اینجا رسید که مانند اسیران کفار ما را دیار به دیار کشاندی، در نزد خدا موجب خواری و مذلت ما و عزت و کرامت تو خواهد بود؟^۱

جمع بندی

انسان همواره برای حفظ روابط اجتماعی خود و پایداری آن احتیاج به صبر و گذشت دارد. ثبات و استقامت در دگرگونی‌های اوضاع بسیار مهم و تعیین کننده است چرا که در حالت عادی همه خوب و صالح هستند ولیکن در بحران‌های مختلف (فکری، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی)، خویشتن داری و مقاومت محک زنده ایمان انسان به خداوند قادر و متعال است.

تا نبیند رنج و سختی مرد، کی گردد تمام تا نیاید باد و باران گل کجا بویا شود
 از این رو مؤمن عاشورایی در مواجهه با حوادثی که به ظاهر بلا و سختی هستند، نه تنها به بلا راضی هستند و ندای «رضی برضاک» سر می دهند بلکه اصلا بلا را بلا نمی دانند و به دیده زیبایی و جمال به

آن می نگرند. چنانچه زینب علیها السلام فرمودند: «ما رایت الا جمیلا»

۱. ادامه این خطبه حماسی را در *للهوف* بخوانید.